**نکته هایی در باب آینده روابط ایران و روسیه**

عباس ملکی[[1]](#footnote-1)

ایران و روسیه همسایگانی هستند که با یکدیگر مرز مشترک ندارند. در پایان دسامبر 1991 میلادی با نشست رؤسای جمهور روسیه، روسیۀ سفید، و اوکراین، در یک خانۀ جنگلی در نزدیکی شهر مینسک، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از هم فروپاشید و از ابتدای 1992میلادی پانزده کشور جدید در جهان متولد شدند. روسیه تعهدات شوروی را به عهده گرفت و دیگر کشورها ولادتی مطهّر یافتند، بدون هیچ‌گونه بدهی از گذشته. به تدریج ده کشور آسیای مرکزی و قفقاز، علاوه بر بازیگری در صحنۀ سیاسی -اعم از جهان و منطقه- تأثیرگذاری در بازار انرژی و حمل و نقل را عهده‌دار شدند. برای ایران، این کشورها اکنون منطقۀ حائل هستند. عبور نیروهای نظامی روسی به سمت جنوب دیگر به راحتی امکان پذیر نیست.

اما همچنان جمهوري فدراتيو روسيه بزرگ‌ترين كشور جهان است و تمامي عناصري را كه مندليف در جدول عناصر شيميايي خود معرفي نمود، در جاي جاي اين سرزمين وسيع در اختيار دارد. روسیه دارای ذخائر بی‌مانند گاز طبیعی و نفت خام است. از 1992 میلادی سياست خارجي روسيه در صحنۀ جهانی با تغييرات متعددي روبرو بوده است. نگاه غرب‌گرايانۀ رئیس جمهور يلتسين و وزير خارجۀ او آندره كوزيرف به نگاه واقع‌گرايانه‌تر یوگنی پريماكف و سپس به ديدگاه اوراسيايي ولاديمير پوتين تبديل شد. در سیاست خارجی روسیه، خارج نزدیک به معنای ارتباط با همسایگان به‌جامانده از نظام کمونیستی همچنان اولویت دارد. روسیه به تدریج دریافت که بدون دسترسی به کشورهای بیرون از سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD)، آسیب‌پذیری‌های ژئوپلتیک و اقتصادی دارد. کاملاً آشکار بود که حرکت استراتژیک روسیه در اضافه کردن شبه جزیرۀ کریمه، با عکس‌العمل کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی روبرو خواهد شد. تحریم‌های روسیه اقتصاد این کشور را ضعیف کرد. شاید ساقط شدن جنگندۀ روسی بر فراز مرزهای سوریه و ترکیه، عکس‌العمل سازمان پیمان اطلس شمالی (ناتو) به رفتار روسیه در اوکراین است؛ زیرا بلافاصله ترکیه خواهان اجلاس فوق‌العادۀ ناتو در بروکسل شد.

مسائل و موضوعات متعددي در طول ساليان، ايران و روسيه را از برقراري روابطي شايسته با هم -آنچنان كه مي‌توانست- بازداشته بود. در يك نگرش كلي تاريخي، اين نقيصه به ضرر هر دو كشور بوده است و موجبات تضعيف هر دو را، در رقابتي كه در صحنۀ جهاني براي پيشرفت و ترقي و تأمين رفاه ملي وجود داشت، فراهم مي‌آورد. در گذشته، سياست‌هاي توسعه‌طلبي روسیه در قرن نوزدهم كه مشخصاً در مورد ايران در نتايج جنگ‌هاي منتهي به 1813 و 1828 میلادی مابين ايران و روسيه و دو پیمان گلستان و ترکمن‌چای تجلي يافت، در كيفيت مناسبات تأثير بسزا داشت. همچنين نفوذ ايدئولوژيك انديشۀ ماركسيستي-لنينيستي در ايران، در سال‌های پس از ورود متفقين در جنگ جهانی دوم و عدم بازگشت ارتش سرخ از استان‌های شمال غربی ایران در سال‌هاي پس از آن، امكان هرگونه روابط برابر را از بين برده بود. ظهور انقلاب اسلامي در ايران و سپس فروپاشي اتحاد شوروي، دو كشور را در موقعيتي قرار داد تا بتوانند مناسبات جديدي را پايه‌ريزي كرده، آن را در همۀ زمينه‌ها عمق بخشند. در سال‌هاي اخير، عنصر سوء ظن و بدبيني از روابط دو كشور كنار رفته و تفاهم مابين ايران و روسيه داراي پيامدهاي متعدد شده است. مهم‌ترين پيامد اين مناسبات آن بوده است كه به هر رو از دست‌اندازي مستقيم و راحت غرب به مناطق آسياي مركزي، درياي خزر و قفقاز جلوگيري كرده است. در سال‌هاي اخير، دامنه نفوذ روسیه در كشورهاي آسياي ميانه و قفقاز، گرچه نسبت به دورۀ اتحاد شوروی محدود‌تر شده، اما نسبت به دهۀ ابتدایی بعد از فروپاشی شوروی بیشتر شده است. تشکيل سازمان همكاري‌هاي شانگهاي يكي از نتايج استراتژي جديد روسيه است. عضویت ایران و روسیه در این پیمان در کنار هند و چین این امکان را به قاره آسیا می‌دهد که مسائل و مشکلات خود را به صورت درونی حل کند. بانک توسعه و زیرساخت‌های آسیایی با ابتکار چین مثال‌زدنی است.

در سال‌هاي اخير، نوعي اعتمادسازي در روابط بين ایران و روسیه شروع گرديده كه قبلاً سابقه نداشته است. ساخت 8 واحد جدید برق هسته‌ای، تقويت بنيۀ دفاعي ايران، موافقت دو کشور برای جابه‌جایی 500 هزار بشکه در روز نفت خام، همکاری های دو کشور برای پایان دادن هرج و مرج ناشی از دخالت نیروهای خارجی در سوریه، همكاري‌هاي منطقه‌اي در آسياي مركزي و قفقاز، همسويي مواضع دو كشور در مسائل افغانستان و عراق، و نظر مشترك دو كشور در مورد اصلاح نظام نوين جهاني از جمله همكاري‌هاي نوين ايران و روسيه است.

در كنار زمينه‌هاي همكاري بين روسيه و ايران، از نقاط افتراق و يا منفي در اين روابط نيز بايد نام برد. روسيه در جريان پرشتاب تحولات درياي خزر به‌تدريج از مواضع ايران فاصله گرفت و درصدد نزديك نمودن مواضع چهار كشور به‌جامانده از اتحاد شوروي با يكديگر و سپس مذاكره با ايران با موضع واحد است. همچنين روابط اقتصادي غير نظامي عليرغم تأکیدهای رهبران دو کشور بيشتر از 4 میلیارد دلار در سال نيست. مى‌توان گفت كه ايران نقش بزرگى را در پيشبرد سياست‌هاى روسيه در نزديكى هرچه بيشتر به منطقه آسياى جنوبى و خاورمیانه ايفا كرده، اما شاید در کنار آن، ايران هم اكنون به رقيب ژئوپولتيك آنان در منطقه تبديل شده است.

روسیه گرچه ابرقدرت نیست، اما قدرت بزرگی در روابط بین‌الملل است. روسیه از داشتن روابط نزدیک با ایران به مزیت‌های متعددی دست می‌یابد که یکی از آن‌ها به چالش کشیدن نظام تک‌قطبی جهان به رهبری آمریکاست. روسیه با بی‌اعتنایی به درخواست‌های آمریکا برای قطع روابط نظامی و یا هسته‌ای با ایران در حقیقت به ادعاهای آمریکا برای آنکه خود را پلیس جهان معرفی نماید، به مقابله برخاست. علاوه بر آن، روسیه زمانی می‌تواند در سطح کلان روابط بین‌الملل تأثیر بگذارد که دارای نفوذ در نقاط استراتژیک جهان باشد. اگر روسیه دیگر متحد استراتژیک دولت صدام در عراق نیست، و اگر در افعانستان حکومت کارمل و نجیب‌الله را ندارد، و اگر در قفقاز و آسیای مرکزی حکومت‌های داخل شوروی بر سر حکومت نیستند، اما کمربند کشورهای مستقل از دیدگاه مسکو -همچون ایران، ارمنستان، هند و سوریه- می‌توانند در حد امکان به روسیه امکان چانه‌زنی در سطح بین‌المللی را بدهند و دست مسکو را برای حضور در خاورمیانه و خلیج فارس و روابط خود با اروپا باز نگه‌دارند.

برای ایران، روسیه یک همسایۀ قابل اعتناست. اگر نتوان به صورت دائم به روسیه اعتماد کرد -که به هیچ کشوری نمی‌توان- اما می توان از مزایای روابط با روسیه منتفع شد. در وهلۀ اول، اگر فرض شود در جهان کنونی، ایالات متحده آمریکا، اروپا، ژاپن، چین و روسیه قدرت‌های بزرگ هستند، نگاهی به موقعیت روابط ایران با این بلوک‌ها گویای واقعیت است. آمریکا با ایران دارای روابط دیپلماتیک نیست. آمریکا در 11 کشور همسایۀ ایران دارای پایگاه نظامی و اطلاعاتی است. در پس از برجام، آنچه که تاکنون مشاهده شده، رفت و آمد پرهیاهوی مسئولان اجرایی کشورهای اروپایی به ایران بوده است، اما بانک‌های اروپایی همچنان با ایران کار نمی‌کنند. ژاپن منتظر است که وضعیت سیاست خارجی ایران با آمریکا روشن شود تا در ایران مثلاً یک پروژۀ نفتی را دنبال کند. چینی‌ها هم علیرغم روابط پنجاه میلیارد دلاری با ایران، همچنان از روابط استراتژیک با کشور ما سرباز می‌زنند. در این میان، تنها روسیه است که در روابط خود تقریباً پایدار مانده است. نگاهی به همکاری‌های ایران و روسیه -از همکاری‌های استان‌های ایران با جمهوری‌های مسلمان‌نشین داخل فدراسیون روسیه گرفته تا همکاری‌های اقتصادی، نظامی، هسته‌ای و هوافضا- نشان از ابعاد وسیع روابط ایران و روسیه دارد. از طرف دیگر، ایران باید به روسیه به عنوان یک بازار برای کالاهای ساخت ایران نگاه کند. کالاهای ما نشان از فرهنگ گذشتۀ ایران و اسلام دارد که برای مسلمانان روسیه جالب توجه است.

از 2006 میلادی حجم روابط ایران با کشورهای آسیایی همچون روسیه، چین و هند از روابط با کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه بیشتر شد. این بدان معناست که ایران کشورهای سابقاً کمونیست، همچون روسیه، و یا نظام‌های اقتدارگرایی همچون چین را، به کشورهای دمکراتیک اروپا و آمریکای شمالی ترجیح داده است. در دویست سال اخیر، اولین بار است که در تاریخ روابط خارجی ایران چنین تغییر جهت استراتژیکی رخ می‌دهد. آیا در این زمینه ایران مقصر است و یا واقعاً راه دیگری برای ایران باقی نمانده بود؟ به نظر من، رفتار آمریکا و اروپا راه دیگری برای ایران باقی نگذاشته است. البته من معتقدم ما همچنان می‌توانیم با اروپا روابط اقتصادی خود را حفظ کنیم؛ در عین حال که فشارهای اقتصادی و مالی آنان همچنان بسیار است.

سؤال این است که آینده چه خواهد شد؟ به عقیدۀ من، روابط ایران و روسیه گسترش خواهد یافت. در وضعیت کنونی، نقاط اتفاق این دو کشور بیشتر از نقاط افتراق است. در این‌باره، چند نکته را اضافه می‌کنم:

**نکتۀ اول.** تحریم‌های ده سالِ گذشته ناشی از قطعنامه‌های شورای امنیت ملل متحد، مجلسین و دولت آمریکا، اتحادیۀ اروپا، و تحریم‌های اضافی و داوطلبانۀ کشورهایی همچون ژاپن، کره جنوبی، امارات عربی متحده، و کانادا نشان داد که آن‌گاه که قرار است کشوری، به هر دلیل، مورد هجوم قرار گیرد، مانند سرعت سورتمه در سرازیری (Roller Coaster)، حمله های تبلیغاتی، سیاسی، امنیتی، و نظامی هر لحظه افزایش خواهند یافت. روزگاری با هیاهوی تبلیغاتی، تحریم اقتصادی و نیز نشان دادن دندان های نظامی، غرب به رهبری آمریکا و اسرائیل به دنبال متلاشی کردن هویتی به نام ایران بود. در آن زمان، مقابله با چنان هجومی همه‌جانبه به‌راستی مشکل بود. فراموش نکنیم که روسیه، چین و هند هم به قطعنامه‌های تحریم علیه ایران رأی مثبت دادند. اما ایران از این گردنه عبور کرد. برای تکرار نشدن چنان وضعیتی، علاوه بر اقدامات دیگر، ایران باید روابط خود را با کشورهایی که دارای سیاست خارجی مستقل هستند، افزایش دهد. به نظر من، پوتین رهبری است که می‌توان نگرش سیاست خارجی او را متوازن و با نگاه به درازمدت دانست. هرچند که همچنان پرسشی در ذهن من باقی است که چرا روسیه به کریمه حمله کرد؟ در عین حال، نیابد فراموش کرد که سازگاري و يا عدم سازگاري اهداف سياست خارجي با فضاي حاكم بر صحنۀ محيط بين‌المللي ضرورتاً از اهداف تعارضي ناشي نمي‌شود. گاه ممكن است كه ديپلماسي ضعيف، محافظه‌كار و بدبينانۀ تصميم‌گيران و يا مجريان موجب شود بسياري از اهداف همگون و حتي غير متعارض بازيگران در صحنۀ محيطي به اجرا درنيايد. هنوز در روسیه کسانی هستند که معتقدند منافع روسیه در فضای آتلانتیکی، یعنی در تعامل با اروپا و آمریکا، تأمین می‌گردد.

**نکتۀ دوم.** چون محيط عملياتي و اجرايي سياست خارجي فراتر از محيطي است كه در آن تصميم اتخاذ مي‌شود، طبيعي است كه درصدي از اهداف سياست خارجي در صحنۀ عملياتي بين‌المللي عقيم و انجام‌نشده باقي بماند. منظور من آن است که مناسب است ما در طراحی استراتژی‌های خودمان به نگاه مجدد به آسیا اولویت بخشیم. در عمل ممکن است به صورت کامل به اهدافمان نرسیم، اما «راه درست را رفتن» بهتر از «درست راه رفتن» است. اینطور به نظر می‌رسد که در استراتژی نگاه به شرق، ایران و روسیه دارای نظرات مشابه هستند.

**نکتۀ سوم.** همگرایی بین ایران و کشورهای آسیایی در چارچوب توافقاتی مانند شانگهای، اکو و سازمان همکاری و امنیت در آسیا بیانگر این حقیقت است که این یک بازی برد-برد است. اما تنها یک نکته باقی است که آیا پیوستن ایران به سازمان همکاری‌های شانگهای منزلت امنیتی ایران را ارتقا می‌دهد؟ پاسخ آن است که بی‌شک هرگونه فعالیت همگرایانه با کشورهای مستقل به وضعیت بهتری برای ایران می‌انجامد، اما نگرانی‌های امنیتی ایران کمتر از نقاطی است که در چتر سازمان شانگهای قرار می‌گیرد. به‌جز تهدید افراط‌گرایی اسلامی از نوع داعش در افغانستان، طالبان، القاعده و فعالیت سازمان‌هایی مانند حزب التحریر در آسیای مرکزی که شانگهای می‌تواند در کنترل و یا محدودسازی آنان نقش ایفا نماید، نگرانی‌های عمدۀ ایران در مناطق دیگر است. آیندۀ عراق، موضوع جنگ داخلی و تجزیۀ احتمالی این کشور، حضور نیروهای خارجی، بخصوص تعداد زیاد و تجهیزات پیچیده نظامی و ارتباطی آمریکائیان در خلیج فارس و همۀ کشوهای عربی همسایه ایران، تشدید اختلافات میان شیعیان و اهل سنت و ازدیاد فشار به کشورهای تولیدکنندۀ نفت برای افزایش تولید و کاهش قیمت نفت همه و همه از جنس دیگرند و در مناطق دیگر، ایران را هدف گرفته‌اند و احتمالاً شانگهای نمی‌تواند به ایران در این موارد کمکی کند. اما روسیه می‌‎تواند در برخی از این نگرانی‌ها، شریک ایران باشد.

**نکتۀ چهارم.** نباید فراموش کرد که کشورها دوستان ابدی یا دشمنان ابدی با یکدیگر نیستند، بلکه منافع ابدی دارند. باید توجه داشت که روسیه از لحاظ مالی به سرمایه‌گذاری غرب وابسته است. روسیه از لحاظ فناوری گرچه در برخی زمینه‌ها پیشرفته است، اما به صورت عمومی روسیه کشوری نیست که بتواند همۀ نیازهای تکنولوژیک ایران را برآورده سازد. به نظر می‌رسد که در آینده باز شدن درهای شهرها و کنسرن‌های تکنولوژیک روسیه بر روی دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی، و شرکت‌های دانش‌بنیان ایرانی، فرصتی است برای تجربه‌اندوزی محققان و دانشمندان ایرانی.

**نکتۀ پنجم.** در دریای خزر، به نظر من، بهتر است که ایران همچنان بر استفادۀ مشاع از این دریا پافشاری نماید. علاوه بر محسنات این نوع از رژیم حقوقی در بخش‌های حفظ محیط زیست، ماهیگیری، حمل و نقل، و استفاده از منابع بستر دریا، این امکان را به ایران و روسیه می‌دهد که همچنان همچون گذشته همسایۀ یکدیگر باشند؛ در گذشته مرزهای خشکی و آبی و اکنون ارتباط از طریق پهنابۀ خزر.

**نکتۀ ششم.** این را نیز اضافه کنم که در عین داشتن روابط مودّت‌آمیز با روسیه، نسبت به رفتارهای این کشور بزرگ باید حساس بود. به نظر من، دولت ایران در مورد پرتاب موشک از عرشۀ کشتی‌های روسی مستقر در دریای خزر به سمت سوریه، مناسب است که بادداشتی به دولت روسیه تسلیم نماید. در کدام بخش از دریای خزر، کشتی‌های روسی مستقر شده‌اند؟ آیا روسیه به آب‌های مشترک در دریای خزر معتقد است؟ مطابق حقوق بین‌الملل پرواز هر شیء پرنده از آسمان هر کشور نیازمند مجوز است. آیا برخی از این موشک‌ها از یک هواپیمای یک موتوره بزرگ‌تر نیستند؟ آسمان ایران محل گذر کثیری از هواپیماهای مسافری به صورت ترانزیت است. آیا خطوط هوایی شرق آسیا و جنوب خلیج فارس نسبت به این موضوع بی توجه هستند؟

1. دانشیار دانشکده انرژی دانشگاه صنعتی شریف [↑](#footnote-ref-1)